



ای توانگر مفروش این همه نخوت که تو را سر و ز در کف همت درویشان است

صفحه از: علیرضا بهرامی

صفحه آخر

همشهری آنلاین: www.hamshahronline.ir
سایت روزنامه: newspaper.hamshahronline.ir

صاحب امتیاز: مؤسسه همشهری
مدیر مسئول: محسن مهدیان
مدیریرد ادیتال: معمار
مدیر تحریریه: سید مجتبی صادقی
معاونان سردبیر: شهرام فرهنگ، علی عمادی، شاهین امین، حامد فوقانی
مدیر فنی: حامد یزدانی
مدیر هنری: مهدی سلامی
دبیر عکس: امیر پناهیور

سیاسی و دیپلماتیک: مدیر: حسین ارجلو
شورنگار: مدیر: پروانه بهرام یزداد
مدیر: مریم باقرپور
اقتصاد: مدیر: حسین لطفی
مدیر: مریم موسی پور
تماشاگر: مدیر: امیر محمد یعقوب پور
مدیر: لیلی خرسند

سرزمین من: مدیر: سید زهرا عباسی
تندرستی: مدیر: عیسی محمدی
مدیر: مریم سرخوش
سرخ: مدیر: جواد عزیزی
مدیر: محمد جعفری
دانشنامه: مدیر: ساسان شادمان
مدیر: زهرا خلجی
جامعه: مدیر: فاطمه طباطبایی
گزارش: مدیر: مسعود میر
مدیر: فاطمه عسگری نیا
۲۴ (سینما و تلویزیون): مدیر: سعید مروتی
مدیر: علیرضا محمودی
مفقه آخر: مدیر: جواد نصرتی
طرح و گرافیک: مدیر: محمد علی حلیمی

سوزۀ روز

هوای پاکبان های شهرمان را داشته باشیم

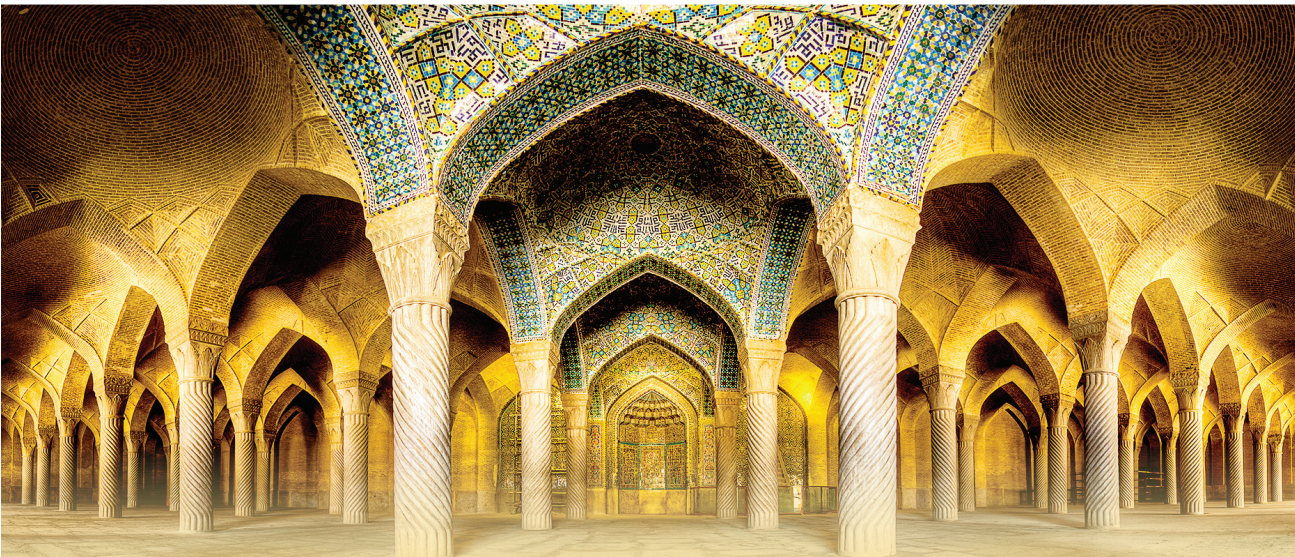


اول این که فرض کنیم هر کدام از نیروهای زحمتکش خدمات شهری مثل پاکبان ها، نیروهای جمع آوری پسماند و خدمات رفت و روب شهری روزی در محله ای کارشان را انجام ندهند؛ به نظر شما چه بر سر آن شهر یا محله خواهد آمد؟

احتمالا یا اهالی آن کوچه و محله مجبور می شوند تا مدت ها خودشان را در خانه حبس کنند یا این که چند روز از محله خودشان به مکانی نامعلوم مهاجرت می کنند! خلاصه در شهرها، نبود پاکبان، بقال و میوه فروش چندان به چشم نمی آید، اما نبود نیروهای خدمات شهری، بسیار محسوس است. دوم اینکه بسیاری از نیروهای خدمات شهری، کارشان را قبل از طلوع آفتاب آغاز می کنند یا از ساعت ۹ شب سر کار می روند تا خاطر شهروندان از رفت و روب شهر مکرر نشود. اما انتشار خبری در این روزها ما را بر آن داشت تا با فرض اول و دوم را که در بالا به آن پرداختیم با هم جمع کنیم و به یک نتیجه سوم مهمی برسیم: «لطفا... لطفا، لطفا هوای پاکبان های شهرمان را داشته باشیم.» غیر از انگیز از قول خبرگزاری ایسنا این است: «تنها در سال گذشته بیش از ۱۰۰ پاکبان حین نفاذات معابر به علت تصادف جان باختند؛ تصادفاتی که بیشتر شب ها و در ساعاتی رخ داده که پاکبانان در تاریکی در حال نفاذات شهر بوده اند.» البته که رعایت نکات ایمنی مثل استفاده از لباس های شبرنگ و قرار دادن موانع در مسیر نیروهای خدمات شهری به خصوص در کنار بزرگراه ها، واجب است، اما شب ها در حین رانندگی، ما هم هوای پاکبان ها و دیگر نیروهای خدمات شهرمان را داشته باشیم تا به جان و روحشان آسیب نرسد.

جهان با رنگ ایرانی زیباتر است

۹ رنگ در دنیا به نام رنگ های ایرانی شهرت دارند که از هنر و عناصر مختص به کشورمان سرچشمه گرفته اند



اگر ایران را یک بوم نقاشی تصور کنیم، هنرمندان این سرزمین در طول هزاران سال، شاهکاری بی بدیل خلق کرده اند که پالت رنگی آن نه تنها چشم نواز، بلکه منحصر به خود این جغرافیا است. رنگ در فرهنگ ایرانی، تنها یک عنصر بصری برای تزئین نیست، بلکه یک زبان است، یک هویت و یک فلسفه. این زبان از گنبد مینایی مسجد شیخ لطف الله در اصفهان گرفته تا تارو پود یک فرش دستباف در کاشان و از لعاب یک کوزه سفالی در لالچین همدان تا نگاره های یک کتاب خطی نفیس، با ما سخن می گوید. هر رنگ، داستانی از طبیعت، عرفان، تاریخ و احساسات مردمان این دیار را در خود پنهان کرده است. رنگ ها در ایران، شناسنامه بصری تمدن ما هستند؛ شناسنامه ای که امروز مرزهای جغرافیایی را در نور دیده و در عرصه های بین المللی، از دنیای مد و طراحی داخلی گرفته تا هنر و صنعت، با افتخار به نام «ایرانی» (Persian) شناخته می شوند.

این پدیده شگفت انگیز، حاصل قرن ها تجربه و استادی هنرمندان ایرانی در استخراج رنگ از دل طبیعت و به کارگیری آن با جسارت و ظرافتی مثال زدنی است. از دل سنگ لاجورد بدخشان، «آبی لاجوردی» متولد شد تا آسمان را بر گنبد های

فاطمه عباسی

Persian Indigo

نیل

این رنگ نیز از خانواده آبی ایرانی است و نام های دیگر این رنگ بر شین ایندگو یا بنفش نیلی است. نخستین کاربرد این عیارت در زبان انگلیسی مربوط به سال ۱۹۱۲ است. این رنگ نیز در کاشی کاری ها و سفالگری های ایرانی پر کاربرد بوده و در قالی بافی، به ویژه در قالی های ناین و اصفهان، نیلی به عنوان رنگ زمینه برای برجسته کردن نقوش کرم و لاک استفاده می شود.

Medium Persian Blue

آبی لاجوردی

این رنگ ایرانی سی از همان خانواده آبی شمالی یا آبی ایرانی است که شدت کمتری دارد. این رنگ در میان پارچه فروشان ایرانی به آبی ایتالیایی معروف است. مسجد کبود تبریز یکی از شاهکارهای استفاده از این رنگ است.

Persian Blue

آبی ایرانی

آبی ایرانی یکی از محبوب ترین رنگ های ایرانی است که در بسیاری از صنایع و هنرها کاربرد داشته و دارد. این رنگ، رنگ اصلی کاشی کاری های مساجد و بناهای تاریخی بسیاری است. کشور ما افغانستان سرشار از معادن لاجورد با کیفیت است. هنرمندان ایرانی این سنگ را پودر کرده و از آن در رنگ آمیزی کاشی ها، کوزه ها و گاهی لیاف قالی ها استفاده می کردند. جالب است بدانید که نخستین بار در سال ۱۶۶۹، عبارت آبی ایرانی در زبان و ادبیات انگلیسی به کار رفت. نام دیگر این رنگ ایرانی، آبی کاربنی، آبی پرشین و آبی شالی است.

Persian Red

قرمز ایرانی

رنگ قرمز ایرانی از خاک های سواحل هرمز گرفته شده است. این خاک قرمز در صنعت لوازم آرایشی نیز به کار می رود. عمده استفاده از رنگ قرمز ایرانی در سفالگری کرمان و قالی بافی ایرانی، به ویژه قالی های مناطق روستایی و عشایری است. در داخل ایران، این رنگ را به نام سرخ، لاک و قرمز دانه اناری می شناسند. نخستین بار در سال ۱۸۹۵ این عبارت قرمز ایرانی در متون انگلیسی استفاده شده است.

Persian Pink

صورتی ایرانی

این رنگ صورتی ایرانی برای نخستین بار در سال ۱۹۲۳ وارد زبان و ادبیات انگلیسی شد. صورتی ایرانی در کاشی های متاخر در دوران قاجار و همچنین هنر قالی بافی ایرانی بسیار رایج است. این رنگ را می توان در کاشی کاری های مسجد نصیرالملک شیراز، معروف به «مسجد صورتی» به وضوح دید که چگونه در ترکیب با نور، فضایی رؤیایی و خیره کننده خلق می کند. امروزه از این رنگ در صنعت پوشاک، لوازم آرایشی و کالای خواب استفاده می شود.

Persian Rose

رز ایرانی

رنگ رز ایرانی با گل سرخی، از رنگ زیبای گل محمدی الهام گرفته شده است. این رنگ از سال ۱۹۲۲ وارد زبان انگلیسی شده و در تولید پوشاک بانوان و اکسسوری های دخترانه بسیار رایج و محبوب است. این رنگ در قالی های تبریز و همچنین برای ایجاد نقوش ظریف و زنانه کاربرد دارد.

Persian Green

فیروزه ای

هیچ ایرانی ای نیست که به سنگ فیروزه و رنگ آن علاقه مند نباشد. این سنگ و رنگ آن، به قدری در هنرهای ایرانی رایج است که جهان را به نام سبز ایرانی می شناسد. از سبز ایرانی نخستین بار در سال ۱۸۹۲ در ادبیات انگلیسی به عنوان رنگی ایرانی یاد شد؛ از گنبد های مساجد و سردر بازار ها گرفته تا کاشی کاری های داخلی و زیورات، فیروزه ای اضافی هنر ایرانی است. گه های سبز داخل سنگ مرمر نیز یک نمونه از رنگ سبز ایرانی محسوب می شود.

Persian Plum

عنابی

plum به معنای آلو و آلو برغانی است و رنگ عنابی از خانواده زرشکی به بدست می آید. این رنگ از گذشته در صنایع مختلف ایرانی کاربرد داشته است و به نام عنابی هم شناخته می شود. رنگ عنابی در قالی بافی، به ویژه در فرش های بیجار و همدان، برای ایجاد عمق در نقشه و به عنوان رنگ متن در کنار رنگ های روشن تر به کار می رود. همچنین در جلد سازی سنتی (صحافی) و ساخت قطعات چوبی تزئینی نیز کاربرد داشته است. این رنگ امروزه در صنعت لوازم آرایشی و تولید پوشاک نیز استفاده می شود.

Persian Orange

نارنجی ایرانی

رنگ نارنجی ایرانی یا اخرا بی پر رنگ از زمان های دور در صنعت رنگرزی، قالی بافی و سفالگری ایرانی کاربرد داشته است. این رنگ نیز از خاک سواحل هرمز به دست می آید و متشکل از پودر اکسید آهن در خاک است. نخستین استفاده ثبت شده از نارنجی ایرانی به عنوان نام رنگ در زبان انگلیسی در سال ۱۸۹۲ بود.

خوش خبر

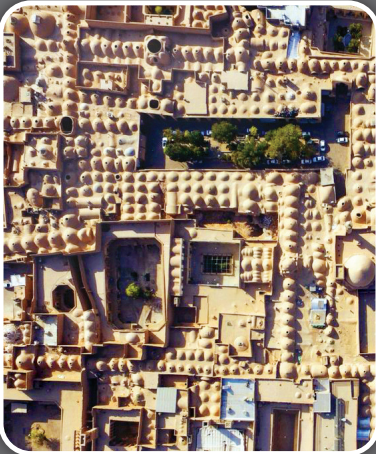
کافه اشاره



این خبر خوش شاید بتواند محرک خوبی برای آنها بی باشد که هنوز معلولیت شان را محدودیت می دانند. در کنار هزاران هزار معلول موقتی که داریم، این بار می خواهیم از قصه ناشنوایانی بگوییم که کنار هم به تازگی در اصفهان کافه اشاره را راه انداخته اند؛ ناشنوایانی که علاوه بر ایجاد شغل برای افرادی شبیه خودشان، توانمندی های شان را هم در کافه به نمایش گذاشته اند و با میزبانی از مهمانان کافه آنها را وارد دنیای ناشنوایان می کنند. مستشرقان با ورود به کافه و دادن سفارش شان با زبان اشاره و روش های ارتباطی با ناشنوایان آشنا می شوند. تهیه نوشیدنی ها و خوراکی های سرد و گرم با طعم های مختلف توسط نیروهای ناشنودر کافه اشاره به مشتریان ارائه می شود. کافه اشاره پیش تر در شهرهای تهران و زنجان راه اندازی شده بود. مشتریان این کافه، ساعتی از دنیای آرام و بدون صدای ناشنوایان استفاده و تجربه جالب و جدیدی کسب می کنند. از نکات جالب این کافه فضای داخلی آن است که از ایده و ابتکارات خود ناشنوایان بوده و به بهترین سلیقه درست شده است و هر مراجعه کننده ای را مجذوب فضای داخلی کافه می کند. مدیر عامل انجمن خانواده ناشنوایان استان اصفهان می گوید که هدف از راه اندازی این کافه همپار کردن زمینه حضور افراد معلول مثل ناشنوایان در جامعه است: «دل مان می خواهد شهروندان به این فضا پا بگذارند و از نزدیک با توانایی ها و ظرفیت های ناشنوایان آشنا بشوند. همچنین آموزش زبان اشاره نیز یکی دیگر از اهداف مان است.»

عکس خانه

پازل خشتی ایران



در قاب این تصویر چیزی فراتر از یک منظره شهری نفیفته است؛ این روح یک تمدن است که در میان دیوارهای کاغذی و یادگیرهای سر به فلک کشیده نفس می کشد. اینجا یزد است؛ شهر بادگیرها، قنات ها و کوچه های آشتنی کنان. از این زاویه، یزد شبیه یک تابلوی انتزاعی شگفت انگیز است؛ یک بافت را گانیک و زنده که از دل خاک برآمده و با آفتاب کویر مینقش خورده است. این نمای هوایی راز معماری هوشمندانه یزد را فاش می کند؛ شهری که برای غلبه بر طبیعت خشکن به درون خود پناه برده است. هر گنبد کوچک و بزرگ نه یک عنصر تزئینی، بلکه پاسخی هوشمندانه به اقلیم گرم و خشک است؛ راهکاری برای شکستن شدت نور، ایجاد سایه های خنک و بهینه سازی فضا. این گنبد های متعدد که مانند قارچ های خشتی از بام ها سر بر آورده اند نورگیرهایی هستند که روشنایی را به قلب خانه ها هدایت می کنند و جریان هوا را ممکن می سازند. بافت مترکم و فشرده شهر با کوچه های باریک و دیوارهای بلند یک سیستم سرما پشی طبیعی و غول پیگر را تشکیل داده است. خانه ها در هم تنیده اند تا برای یکدیگر سایه بسازند و حیاط های مرکزی همچون واحه های کوچک و سبز، زندگی و طراوت را در دل این مجموعه خشتی به جریان می اندازند. در این قاب خبری از خیابان های عریض و ساختمان های بی روح مدرن نیست. اینجا هر بنایی با بنای کناری خود در گفت و گو است و تمام شهر یک کل واحد و یکپارچه را تشکیل می دهد. این تصویر که در فضای مجازی نیز پربازدید شده تنها یک عکس از یک شهر قدیمی نیست، بلکه سندی است از قرن ها دانش، همزیستی با طبیعت و درک عمیق از معماری پایدار. یزد از آسمان به ما نشان می دهد که چگونه نیازکان ما با مصالح بومی انرژی هتری و در عین حال کاربردی خلق کرده اند که هنوز هم پس از قرن ها الهام بخش و تحسین برانگیز است.